

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: شتیفن هوث - Von Stefan Huth
برگردان و افزوده از: دیلوم انجنیر نسرین معروفی
۱۸ جنوری ۲۰۱۹

Kein Vergeben, kein Vergessen!

نه می بخشیم و نه هم فراموش می کنیم

به تاریخ ۱۵ جنوری ۱۹۱۹ "روزا لوکسمبورگ" و "کارل لیبکنشت" به قتل رسیدند. حزب سوسیال دموکرات المان (SPD) تا به امروز مقصر بودن خود را انکار می کند.



Foto: jW-Archiv/Montage: jW

هر دو توسط ارتش به کمک حزب سوسیال دموکرات (SPD) به قتل رسانده شدند. "کارل لیبکنشت" از سال ۱۸۷۱ تا ۱۹۱۹ و "روزا لوکسمبورگ" از سال ۱۸۷۱ تا ۱۹۱۹ زندگی کردند.

امروز صد سال بعد از "روزا لوکسمبورگ" و "کارل لیبکنشت" همان طوری که انتظار می رفت باز هم قاتلان خود را کاملاً بیگناه جلوداده، از آن دو تجلیل به عمل آوردند. به تاریخ ۱۵ جنوری ۱۹۱۹ هردوبنیانگذار حزب کمونیست المان "KPD" توسط گروه های نامنهاد مقاومت مردمی بدون هیچ پایه و اساسی و با زیر پای نمودن آشکار حقوقی شهروندی آنها در شهر "برلین" در منطقه "ویلمرسدورف" دستگیر نموده نخست آنها را در هوتل "Ede" که در جاده به

نام "Kurfürstendamm" به قرارگاه مرکزی حفاظت گارد لشکر سواره نظام (GKSD) انتقال دادند. افرادی گارد که به صورت عمده مرکب از اعضای خانواده سلطنتی آن زمان المان بودند و با وجود جنایات شان در جریان جنگ و تحمل شکست در پیوند با بورژوازی انحصار طلب المان خود را حفظ نموده بودند، هر دو مبارز انقلابی را قبل از این که از پشت تیرباران کنند، به آنها توهین و اهانت می کردند و مورد ضرب و شتم قرار می دادند. ده روز بعد، ده ها هزار تن در مراسم خاکسپاری "لیکنشت" و دیگر قربانیان مبارزه ماه جنوری در پایتخت یعنی شهر "برلین" شرکت کردند. جسد "روزا لوکسمبورگ" را تازه بعد از یک هفته در کانال "Landwehr" پیدا کردند آنها وی را هم به همین ترتیب در ماه می ۱۹۱۹ در قبرستان "Friedrichsfelde" به خاک سپردند.

قاتلان "روزا" و "کارل" قبلاً از نماینده رهبر اکثریت سوسیال دموکراتها (MSPD) که در آن زمان عملاً قدرت دولتی را در اختیار داشتند، اجازه کشتار آنها را به دست آورده بودند. این اقدام از جانب جگرن "Waldemar Pabst" فرمانده قرارگاه مرکزی لشکر پیاده نظام "GKSD" دستور داده شده بود. اجازه صدور چنین فرمانی از جانب "Gustav Noske" معروف به "سگ خونخوار" که اولین وزیر حزب سوسیال دموکراتها (SPD) در در امور ارتش بود، به وی داده شده بود. در حقیقت مؤید کشتار آن دو انقلابی شخص "Friedrich Eber" رئیس دولت در همان زمان بوده، مسئولیت سیاسی آن را بر دوش دارد. جنایات آنها به قتل آن دو مبارز محدود نمانده ضد انقلاب چندی بعد یعنی مارچ ۱۹۱۹ به دستور Noskes در تیراندازی هائی که بالای مظاهره چیان انجام داد، تنها در برلین "۱۲۰۰" مظاهره چی به قتل رسانید.

علم تاریخ از آن زمانتا حال یک تعداد اسناد غیر قابل انکار بر مقصر بودن حزب اکثریت سوسیال دموکراتها MSPD جمع آوری کرده که این حزب از به رسمیت شناختن آنها مصرانه امتناع می ورزد، در واقع پذیرش تقصیر مشترک و بر خورد انتقادی صادقانه نسبت به گذشته حزب، می توانست گام مثبتی در جهت بازسازی حزب به شمار آید. تقصیر و گناه مشترک حزب سوسیال دموکرات با کشتار برلین آغاز نیافته بود، در واقع آغاز آن موافقت حزب به بودیجه جنگی پیشنهادی دولت بین سالهای ۱۹۱۴ - ۱۹۱۸ بود آنها با دادن همان مجوز نه تنها برای ۴ سال المان و اروپا در کام جنگ جهانی اول غرق نمودند، بلکه بعد تر عملاً زمینه و راه را برای تولد و حاکمیت فاشیسم مساعد ساختند.

افزوده مترجم:

تاریخ مبارزات تمام خلقهای جهان گواه و شاهد این حقیقت است که جناح های مختلف بورژوازی من جمله احزاب سوسیال دموکرات المان، دموکراتها در امریکا، حزب کارگر کنونی در انگلستان، حزب سوسیالیست در فرانسه و ... هر نام و نشانی را که بر خود بگذارند و با هر نقابی که خود را به مردم عرضه دارند، وقتی پای دفاع از منافع بورژوازی خودی و انحصارات بین المللی در میان آید، آنها هیچ تمایزی با احزاب جناح راست سرمایه در تمام اشکال برآمد آن ندارند. آنها به همان زودی و با همان قساوت دست به تفنگ برده و فرمان "آتش کنید" بر توده ها را صادر می نمایند که رقبای راست شان انجام می دهند. شاهد ادعای ما در این مسأله سرکوب های خونین دهه ۶۰ صده قبل در تمام این کشور ها، سرکوب ها و کشتار جنبش های آزادیبخش در سراسر جهان در قرن گذشته و قرن حاضر می باشد.

همه به خاطر داریم که به محض آن که امریکای زیر سیطره جناح راست سرمایه امپریالیستی امریکا قصد تجاوزش بر افغانستان را آشکار ساخت، چگونه سردمداران جناح چپ سرمایه از المان و انگلستان با وی همراهی نموده با تمام قدرت در سرکوب خلق ما حصه گرفتند.

وقتی به تاریخ احزاب سرمایه داری نظر می اندازیم و عملکرد جناح های مختلف آن را همسان می بینیم، به این نتیجه می رسیم تا حکم نمائیم:

آنهایی که فکر می کنند با این و یا آن جناح سرمایه می توان در جهان صلح ، آزادی، دموکراسی و رفاه اجتماعی را برقرار نمود، یا واقعاً احمق هائی اند که از تاریخ نیاموخته اند و یا هم کسانی اند که سر شان در پای یک نهاد استخباراتی خم گردیده است.